



University of Tehran Press

Internet Content Filtering in International Human Rights Law and Iranian Legal System

Amir Maghami¹ | Hossein Sayyad Abdi²

1. Corresponding Author; Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: a.maghani@ase.ui.ac.ir
2. MA in Human Rights Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: hossein.sayadabdi@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Cyberspace is subjected to the principle of Freedom of Expression and Freedom of Information; However, based on legitimate limitations and legal necessities, these freedoms are not absolute and may be restricted. This article examines norms of Human Rights Law about internet filtering, using a descriptive-analytical method, subsequently evaluates Iran's Law. In conclusion, legal restrictions of freedom of expression and information are applicable to internet space and it is governed by same traditional principles and regulations stated in articles 19 and 20 of International Covenant on Civil and Political Rights. In virtue of differences between physical publication and internet-based publication, respecting the Principle of Distinction, beside the Principle of Proportionality, is necessary as well as related authorities (whether administrative or judicial) oblige to consider rules of the fair trial including being reviewed the filtering sentence (or decision) by higher tribunal. Iran's Law has adopted System of Prosecution and empowered both administrative and judicial organs in parallel and also in spite of legal references to the Principles of Distinction and Proportionality, they might be violated in practice.
Pages: 1-19	
Received: 2024/06/15	
Received in Revised form: 2024/12/30	
Accepted: 2025/11/29	
Published online: -----	
Keywords: <i>Freedom of Information, Freedom of Speech, Human Rights, Internet Filtering, Iranian computer crimes Act, Principle of Distinction of Information.</i>	
How To Cite	Maghami, Amir; Sayyad Abdi, Hossein (2026). Internet Content Filtering in International Human Rights Law and Iranian Legal System. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , -- (--), 1-19. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2025.378073.3553
DOI	10.22059/jpls.2025.378073.3553
Publisher	The University of Tehran Press.



پالایش محتوای اینترنتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران

امیر مقامی^۱ | حسین صیادعبدی^۲

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

رایانامه: a.maghani@ase.ui.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: hossein.sayadabdi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	فضای اینترنت تابع اصول آزادی بیان و اطلاعات است. اما این آزادی مطلق نیست و ممکن است با محدودیت‌های مشروع و ضروری ناشی از قانون مواجه شود. پژوهش حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی می‌کوشد هنجارهای حقوق بین‌الملل بشر را در زمینه امکان پالایش داده‌های اینترنتی واکاوی کند و سپس به ارزیابی نظام حقوقی ایران بپردازد. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد محدودیت‌های قانونی آزادی بیان و اطلاعات قابل تسری به فضای اینترنت است و از همان اصول و قواعد سنتی که در مواد ۱۹ و ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده تبعیت می‌کند. به سبب تفاوت‌های انتشار فیزیکی و انتشار اینترنتی، علاوه بر اصل تناسب، ضروری است اصل تفکیک نیز در پالایش محتوای مجرمانه رعایت شود و نیز لازم است مقام ذی‌صلاح اداری یا قضایی متصدی پالایش موازین دادرسی عادلانه (از جمله حق اعتراض به تصمیم پالایش) را مد نظر قرار دهد. نظام حقوقی ایران که سیستم تعقیبی را برای این منظور برگزیده اختیارات موازی را برای نهادهای قضایی و اداری پیش‌بینی کرده و به‌رغم اشارات قانونی به اصول تفکیک و تناسب، در عمل، این اصول ممکن است نقض شود.
صفحات: ۱۹-۱	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸	
تاریخ انتشار برخط:	
کلیدواژه‌ها:	آزادی اطلاعات، آزادی بیان، اصل تفکیک، پالایش اینترنت، حقوق بشر، قانون جرایم رایانه‌ای.
استناد	
DOI	مقامی، امیر؛ صیادعبدی، حسین (۱۴۰۵). پالایش محتوای اینترنتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، -- (--)، ۱-۱۹. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2025.378073.3553 10.22059/jpls.2025.378073.3553
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

با گسترش فناوری‌های ارتباطی اینترنتی انتشار انواع تجلیات اندیشه از انحصار صاحبان قدرت و ثروت خارج شده و بسیاری از اشخاص خصوصی نیز قادر به تولید و نمایش و عرضه آثار و دیدگاه‌های خود شده‌اند. بر این اساس همان قواعد عمومی مرتبط با آزادی بیان و چالش‌های آن به فضای سایبر نیز تسری یافته و پرسش‌های مرتبط با حدود آزادی، واکنش در برابر نقض حدود، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و اشخاص در قبال انتشارات متخلفانه، و ... مطرح شده است. به این ترتیب، اگر در فضای فیزیکی، نشر از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری مبتنی بر بسترهای سنتی (کاغذ، نوار، فیلم، و ...)، اصل «آزادی» و منع سانسور، و استثنایی بودن محدودیت‌ها پذیرفته شده باشد، همان ضوابط و اصول در بستر اینترنت و فضای مجازی نیز می‌تواند حاکم باشد. اما تفاوت‌هایی میان گونه‌های سنتی و مدرن عرضه اثر وجود دارد؛ از جمله اینکه سانسور به معنای جلوگیری از نشر در فضای مجازی عملاً میسر نیست و مأموران قانونی نمی‌توانند بر همه شهروندان (عرضه‌کنندگان) نظارت و مراقبت کنند؛ مگر آنکه شبکه را از دسترس خارج سازند؛ درحالی که در فضای پلیسی سنتی حضور مأموران در محل فعالیت چاپخانه‌ها می‌توانست راهکاری برای کنترل پیشینی مطالب باشد. البته فضای مجازی پادزهر ویژه خود را در اختیار دولت‌ها قرار داده که عبارت است از نرم‌افزارهایی که امکان پالایش محتوای مجرمانه را فراهم می‌کند.^۱ با این ابزار، دولت قانونمند می‌تواند با طی تشریفات امکان دسترسی مخاطبان به مطالب غیر قانونی را محدود یا ممنوع سازد. این کار معمولاً از طریق ابلاغ دستور مقامات قانونی به ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی انجام می‌شود؛ یعنی مقام دولتی دستور مسدودسازی را صادر می‌کند و ارائه‌دهندگان، که اغلب بخش خصوصی هستند، به رعایت آن اقدام می‌کنند. گفتنی است اپراتورها و سکوهای برخی نیز به‌خودی‌خود اقدام بر پالایش محتوا می‌کنند؛ نظیر آنچه از محتوا توسط خود اینستاگرام، تلگرام، و ... فارغ از ورود دولت‌ها یا درخواست اشخاص، پالایش می‌شود. اما در این پژوهش فقط اقدامات دولت‌ها در پالایش محتوا ملحوظ نظر خواهد بود.

همان‌گونه که شورای حقوق بشر ملل متحد اشعار داشته و انگاره اصلی مقاله حاضر نیز بر آن پایه استوار است، ضوابط و استانداردهای مرتبط با آزادی بیان در رسانه‌های برون‌خط در موضوع پالایش و انسداد رسانه فرامرزی اینترنت هم قابل اعمال است (UNHCR, 2012: 1-2). از این‌رو، به دنبال پاسخی برای این پرسش هستیم که با توجه به قاعده اصالت آزادی، از منظر حقوق بین‌الملل بشر، چه قواعدی بر پالایش اینترنت حاکم است؟ برای این منظور، دو پرسش فرعی باید مورد ارزیابی قرار گیرد؛ نخست آنکه

۱. در پژوهش حاضر، مفهوم پالایش در معنای عام به کار رفته که شامل الزام به حذف داده و مسدودسازی دسترسی به داده، تارنما، یا برنامه برخاست.

کدام محتوا قابل پالایش است؟ دیگر آنکه از نظر شکلی چه ضوابط و اصولی باید بر این فرایند حاکم باشد؟ در ادامه، این موضوع ارزیابی خواهد شد که رویه ایران چقدر با موازین بین‌المللی حقوق بشر منطبق است؟

۲. محتوای قابل پالایش

از منظر حقوق طبیعی، آزادی یک اصل محسوب می‌شود و هر گونه استثنا بر آن نیازمند توجیهی ضروری است. این رویکرد در نظام‌های حقوق اساسی مدرن و نیز در اسناد بین‌المللی حقوق بشر جلوه‌گر شده است. در نتیجه، در موارد تردید برای تحدید آزادی باید به اصل تمسک جست و «حکومت قانون» اقتضا دارد ادله استثنای آزادی از قبل معین شده باشد. هر گونه محدودیتی بر این آزادی‌ها، چه از طریق ساختار اجرایی (اداری) اعمال شود چه در چارچوب‌های قضایی، مشمول اصل «قانونی بودن» خواهد بود (بابازاده مقدم و رضایی، ۱۳۹۳: ۶۸). وانگهی محدودیت‌ها باید معقول و اعمالشان برای دموکراسی ضروری باشد (UNHRC, 2011: para 69; CCPR, 2011: paras 22, 26, 33) و به طریقی مضیق تفسیر شوند.

آزادی بیان و آزادی اطلاعات از پایه‌های مردم‌سالاری (Nunziato, 2003: 278; Chen, 2003: 267) هستند و در کنار یک‌دیگر معنا می‌یابند (Mita-Baciu, 2014: 51). هدف این آزادی‌ها فقط حمایت از منافع افراد نیست بلکه از منافع جامعه، به عنوان یک کل، نیز صیانت می‌کنند (Hertig, 2016: 239). بنابراین هم هدف هستند هم ابزار.

اینترنت مصداق جهانی شدن و ابزاری برای حفاظت از آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات بدون توجه به مرزهاست (Cerda Silva, 2013: 18-19; Committee of Ministers of the Council of Europe, 2018) و در نتیجه عدم دسترسی به شبکه اینترنت بر سایر حقوق اثر منفی خواهد گذاشت (Lucchi, 2014: 854; Bychawska-Siniarska, 2017: 11). اگرچه اینترنت در زمان انعقاد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی وجود نداشته، از لفظ «هر رسانه دیگر» در ماده ۱۹ استنباط می‌شود که اینترنت نیز مشمول قواعد میثاق است (Sears, 2015: 189). رویه دیوان اروپایی حقوق بشر نیز آزادی بیان و اطلاعات را به ارتباطات اینترنتی بسط داده (Randall, 2016: 239)؛ همچنان که گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر نیز اذعان داشته ماده ۱۹ میثاق بر فناوری‌های جدید همانند اینترنت نیز قابلیت اعمال دارد و استثنائات هر دو دسته حقوق در اینجا نیز قابل اعمال است. برخی مفهوم مدرن اینترنت را مترادف با آزادی دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان می‌دانند (Sears, 2015: 172). از این رو به طور خاص پالایش به دلیل مغایرت با فرایندهای دموکراتیک و تعهد به آزادی بیان محل مناقشه بوده است (بابازاده

مقدم و اسلام‌خواه، ۱۳۹۵: ۱۳۷). البته وفق بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر این آزادی‌ها مطلق نیستند.^۱ جز محدودیت‌های قابل وضع در وضعیت‌های اضطراری (کدخدایی، ۱۳۹۶: ۶۱)، مصادیق محدودیت‌های مصرح برای اعمال حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات در نظام حقوق بین‌الملل بشر را می‌توان در موارد هتک حرمت و حیثیت و حقوق اشخاص، ترغیب به جرایم بین‌المللی، دعوت به کینه و نفرت‌پراکنی، محتوای مخرب شخصیت کودکان و شئون خانواده، سلامت عمومی، اخلاقیات، نظم عمومی، و امنیت ملی^۲ خلاصه کرد (Joseph & Castan, 2013: 604; Sereno, 2013: 95). علاوه بر این، استفاده از ارتباطات در سطح بین‌المللی باید به صورت مسالمت‌آمیز باشد (UNGA, 1961).

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ میثاق، ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا، مواد ۹ و ۲۷ منشور افریقایی حقوق بشر و مردمان، مواد ۱۳ و ۳۲ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، و بسیاری اسناد بین‌المللی دیگر همگی دلالت صریح بر آزادی بیان و اطلاعات و البته محدودیت‌های قابل اعمال بر آن‌ها در نظام جهانی دارند.

مطابق شق «الف» بند ۳ ماده ۱۹ میثاق، آزادی بیان به موجب قانون و به‌ضرورت صیانت از حقوق و حیثیت اشخاص محدود می‌شود. بند ۱ ماده ۱۷ میثاق نیز مؤید همین موضوع است. کمیته حقوق بشر اذعان می‌دارد لفظ «حقوق» در بند ۳ ماده ۱۹ میثاق شامل حقوق بشری مندرج در میثاق و نیز به طور کلی حقوق موجود در نظام بین‌المللی حقوق بشر است. حتی از لفظ «حقوق» مفهوم حقوق مالی را نیز می‌توان برداشت کرد (Sears, 2015: 198). به همین سبب قمار، شرط‌بندی^۳، و نقض کپی‌رایت (Bolin, 2006: 19; Frosio, 2018: 356) در نظام اروپایی به عنوان محتوای غیر قانونی قابلیت پالایش دارد. نخستین تصمیم دیوان اروپایی حقوق بشر درباره مسدودسازی دسترسی به اینترنت به دو تارنما^۴ مربوط می‌شد که قواعد کپی‌رایت را در انتشار موسیقی رعایت نکرده بودند (Bychawska-

۱. بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع شده است».

۲. بند ۹۱ مقدمه و بند ۲ ماده ۳۶ قانون خدمات دیجیتال اروپا نیز اقدام مقتضی (و نه لزوماً پالایش) را در مواردی که بحرانی در فضای مجازی ممکن است تهدیدی جدی برای سلامت عمومی یا امنیت عمومی ایجاد کند ضروری و فوری می‌داند (EP, CEU, 2022: 25 & 66).

۳. پیشگیری و مقابله با قمار مورد عنایت مصوبه شماره ۱۰۶۹۱۶ شورای عالی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران نیز بوده است (← شورای عالی فضای مجازی، ۱۴۰۱).

4. website

109: 2017, Siniarska). بنابراین بسیاری از تارنماهایی را که فضای رایگان برای اشتراک کتاب‌ها، مقالات، آهنگ‌ها، و ... در اختیار کاربران قرار می‌دهند می‌توان پالایش کرد.

در همین زمینه تعرض به «حریم خصوصی» نیز مطرح می‌شود (Oozeer, 2014: 349). هر زمان یک کاربر به شبکه متصل می‌شود هویت و عملکرد وی در فضای مجازی ممکن است مورد نظارت واقع شود. رهگیری و کنترل مکالمات و ارتباطات و دسترسی به اطلاعات شخصی از بارزترین مصادیق نقض حریم خصوصی به شمار می‌آید که اگر با نقض قانون حاصل شود اطلاعات به‌دست آمده یا منتشر شده باید مورد پالایش قرار بگیرد. دولت‌ها با هدف حمایت از حریم خصوصی نباید طریق افراط را پیش بگیرند تا توازن لازم میان حریم خصوصی و آزادی بیان و اطلاعات مراعات شود (مقامی و عطاران، ۱۳۹۸: ۳۱۴).

همچنین نفرت‌پراکنی یا بیانات نژادپرستانه کرامت فرد انسانی را زیر سؤال می‌برد (Cassim, 2015: 312) و آزادی بیان نباید باعث برانگیختن نفرت یا تبعیض نژادی و مذهبی شود. ماده ۲۰ میثاق ماهیت مخرب گونه‌هایی خاص از بیان را تبیین می‌کند که مشمول محدودیت‌های الزامی می‌شوند. در متن میثاق لفظ «به موجب قانون» در انتهای هر دو بند این ماده آمده است. بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد که قوانین داخلی باید موارد نام‌برده را مشمول کیفر مناسب قرار دهند. به تعبیری دیگر، ماده ۲۰ مکمل محدودیت‌های مندرج در بند ۳ ماده ۱۹ است؛ با این تفاوت که ممنوعیت موارد مندرج در ماده ۲۰ به موجب قانون برای دولت‌ها اجباری است (CCPR, 2011: para 51). در سایر مواردی که دولت برای آزادی بیان محدودیت ایجاد می‌کند باید برای آن محدودیت‌ها توجیه متقنی در هم‌سویی با ماده ۱۹ داشته باشد و البته محدودیت‌هایی که بر اساس ماده ۲۰ اعمال می‌شوند باید بر مبنای مفاد ماده ۱۹ توجیه‌پذیر باشند. به طور کلی، همان‌طور که کمیته حقوق بشر نیز در ملاحظات نهایی خود اذعان داشته است، نظارت بر اینترنت و منع [موردی] دسترسی به آن نباید منجر به خدشه‌دار ساختن آزادی بیان و حریم خصوصی شود (CCPR, 2011: para 27).

در نظام اروپایی حقوق بشر نیز تحریک عمومی به خشونت، تنفر، تبعیض و تهدید علیه فرد یا گروه به سبب نژاد، زبان، مذهب، ملیت، یا ریشه قومی آن‌ها مطابق توصیه‌نامه «سیاست عمومی» شماره ۷ کمیسیون اروپایی علیه نژادگرایی و عدم مدارا رفتارهایی هستند که باید جرم‌انگاری شوند. البته لازم است استفاده‌ای مستقیم و عامدانه از بیان برای تحریک به خشونت صورت پذیرد و احتمالی جدی بر بروز خشونت وجود داشته باشد (Bychawska-Siniarska, 2017: 23-25). بند ۱۲ مقدمه قانون خدمات دیجیتال اروپا نیز نفرت‌پراکنی (همچنین بندهای ۸۰ و ۱۰۶ مقدمه و شق «ج» بند ۱ ماده ۳۵)، تروریسم، و تحریک بر آن (نیز بند ۵۶ مقدمه) و محتوای تبعیض‌آمیز را غیر قانونی خوانده است (EP, 2022: 4, 14, 22, 29, 65). همچنین سخنرانی‌های تنفرانگیز که مستقیماً اقلیتی را خطاب قرار

می‌دهد و بیانیه‌های نژادپرستانه منتشر شده، به‌ویژه در تلویزیون، تحت حمایت ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نخواهند بود. گفتنی است بند سوم ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۴۸ منع و مجازات جنایت نسل‌کشی ترغیب به ارتکاب نسل‌کشی را نیز عملی مجرمانه و قابل مجازات می‌داند که از جمله جرایم موضوع صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی است.

همچنین بند ۲ ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک عیناً محدودیت‌های نام‌برده را به طور خاص برای کودکان بیان می‌کند. به‌علاوه حقوق کودک، از جمله دسترسی به اطلاعات در فضای مجازی، در پرتو اصل اولیه عالی‌ترین منافع کودک قابل اعمال است (Committee on the Rights of the Child, 2021: para 12). ماده ۲۳ میثاق را نیز در خصوص حمایت از خانواده می‌توان مستندی بر اعمال محدودیت بر بیانات و اطلاعات مغایر با شئون خانواده دانست (کدخدایی، ۱۳۸۶). ماده ۲۸ قانون خدمات دیجیتال اروپا نیز اقدامات کافی و مناسب توسط ارائه‌دهندگان خدمات برخط، جهت تضمین سطح بسیار بالایی از حریم خصوصی و ایمنی و امنیت، را در رابطه با کودکان حکم می‌کند (EP, CEU, 2022: 60). به طور کلی مقامات دولتی نباید از طریق پالایش مانع دسترسی فرامرزی مردم به اطلاعات و ارتباطات در فضای سایبر شوند. اما این قاعده از پالایش به منظور حفاظت از کودکان، به‌ویژه در مدارس و کتابخانه‌ها، جلوگیری نمی‌کند.

با هدف حمایت از ارزش‌های اخلاقی، انتشار محتوای مستهجن در فضای مجازی، به منظور حفاظت از اخلاق حسنه، می‌تواند ممنوع شود. به نظر کمیته مفهوم اخلاق از مؤلفه‌های دینی و فلسفی و اجتماعی مشتق می‌شود. بنابراین محدودیت‌های با هدف صیانت از اخلاق باید بر اصولی استوار باشد که صرفاً از یک فرهنگ یا مؤلفه فرهنگی اشتقاق نیافته است. [مضافاً] هر گونه محدودیت [اخلاقی] باید در پرتو جهان‌شمولی حقوق بشر و اصل عدم تبعیض درک شود (CCPR, 2011: para 32). بر همین مبنا به نظر می‌رسد گزاره محدود ساختن آزادی بیان بر پایه حفاظت از ارزش‌های اخلاقی گزاره‌ای کلی برای اجرا باشد. به واسطه دلایل اخیر است که دیوان اروپایی حقوق بشر وجود «حاشیه صلاحدید»^۱ گسترده را برای دول عضو در اعمال محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات، مبتنی بر صیانت از اخلاق عمومی، تأیید کرده است (Joseph & Castan, 2013: 625). محدودیت بر پورنوگرافی بارزترین نمونه از موارد مبتنی بر حمایت از ارزش‌های اخلاقی، به‌ویژه در فضای اینترنت، است. قانون خدمات دیجیتال اروپا به‌صراحت پورنوگرافی کودکان را غیر قانونی می‌خواند (EP, CEU, 2022: 22 & 32). ناگفته نماند دلایل دیگری نیز بر اساس ماده ۱۹ میثاق برای اعمال محدودیت بر پورنوگرافی یافت می‌شود؛ آن‌گونه که کمیته اشاره می‌کند برخی گونه‌های پورنوگرافی که زنان و دختران را در معرض رفتار غیر انسانی و

1. margin of appreciation

خلاف حیثیت بشری یا خشونت قرار می‌دهند شکلی از بیان هستند که با نفرت‌پراکنی مشابهت دارند و باید ممنوع شوند (CCPR, 2000: para 22). با این وصف، به نظر می‌رسد منع این نوع نفرت‌پراکنی با لحاظ سیاق ماده ۲۰ انطباق ندارد.

حق آزادی اندیشه و بیان شامل حمایت از حق دسترسی به اطلاعات دولتی نیز می‌شود. کمیته حق افراد را بر جست‌وجو و دریافت اطلاعات (بند ۲ ماده ۱۹ میثاق)، ولو در خصوص اسناد و مدارک و اطلاعات دولتی، به رسمیت می‌شناسد. در این خصوص نیز امنیت ملی هنگامی یک محدودیت در نظر گرفته می‌شود که با دسترسی به اطلاعات و اسرار مربوط یا بیان و نشر آن‌ها استقلال سیاسی یا وحدت سرزمینی کشور به خطر بیفتد. دولت مدعی باید ماهیت دقیق خطر تهدیدکننده امنیت ملی بر اثر اعمال حق آزادی بیان و اطلاعات را مشخص کند (CCPR, 1998: para 12). به‌علاوه شورای امنیت از دولت‌ها می‌خواهد اجازه ندهند گروه‌های تروریستی از اینترنت به عنوان ابزاری برای پروپاگاندا، ترغیب به خشونت، و جذب نیرو استفاده کنند (UNSC, 2015, para 22).

نظم عمومی مفهومی گسترده‌تر نسبت به امنیت ملی دارد و می‌توان آن را بدین نحو تعریف کرد: «مجموعه قواعدی که عملکرد مؤثر و صلح‌آمیز جامعه را تضمین می‌کنند» (Joseph & Castan, 2013: 617). اعمال محدودیت مرتبط با نظم عمومی، با عنایت به ماده ۱۹، شامل منع اطلاعات و بیاناتی می‌شود که ممکن است سبب جرم، خشونت، یا تشویش اذهان عمومی شوند. ممانعت از [فعالیت] رسانه‌های ارتباط جمعی بدون مجوز نیز، به جهت جلوگیری از اختلال در سیگنال‌ها و امواج هوایی، می‌تواند اقدامی جهت نظم عمومی توجیه شود. ناگفته نماند خدشه به نظم عمومی نباید حقوق دفاعی متهم را تحت تأثیر قرار دهد (CCPR, 2011: para 31).

با توجه به سه پرونده گاتیر علیه کانادا (CCPR, 1999)، بابان علیه استرالیا (CCPR, 2003)، و شین علیه جمهوری کره (CCPR, 2004) به نظر می‌رسد کمیته نسبت به اعمال محدودیت بر آزادی بیان و اطلاعات، مبنی بر حفظ امنیت ملی و نظم عمومی، حداقل در شرایط عدم تسلیم ادله موجه با جزئیات توسط دولت عضو، روی خوش نشان نمی‌دهد. امنیت ملی و نظم عمومی بیش از سایر محدودیت‌ها در کمیته رد شده است. زیرا این دو محدودیت به جای حمایت عینی از حقوق مردم یک کشور در مقام صیانت از جایگاه دولت قرار می‌گیرند و باید به صورت مضیق تفسیر شود.

سرانجام به‌رغم اختلاف در رویه داخلی کشورهای گوناگون^۱ در خصوص پورنوگرافی کودکان، قاچاق انسان، کلاهبرداری، نژادپرستی و نفرت‌پراکنی، و ترویج تروریسم به عنوان محتوای قابل پالایش اتفاق نظر و وفاق عام وجود دارد (نصراللهی، ۱۳۹۶).

۱. بحث محتوای قابل پالایش در سایر کشورها از منظر تطبیقی فی نفسه می‌تواند موضوع پژوهشی مجزا قرار گیرد.

۳. ضرورت‌های شکلی نظام حقوقی پالایش

مقامات عمومی در هر سطحی در قبال آزادی بیان و اطلاعات مسئولیت دارند (CCPR, 2011: para 7). از این رو محدودیت‌هایی که بر فضای مجازی اعمال می‌شوند باید بر مبنای تفسیری مضیق از ضرورت پالایش اعمال شوند (Habib, 2004: 1052 & 1072-1073). همچنین چنانچه دولتی، به‌رغم تعهدش به آزادی بیان و اطلاعات، نظام پالایش وسیعی را سامان دهد، همواره خطر سوءاستفاده از چنین ساختاری وجود خواهد داشت (Brown: 2008, 9). رویه دیوان اروپایی حقوق بشر نیز اشعار می‌دارد که تعهدی ایجابی مبتنی بر ایجاد یک چارچوب قاعده‌مند مناسب جهت تضمین حمایتی کارآمد از آزادی بیان در فضای اینترنت بر عهده دولت‌هاست (Bychawska-Siniarska, 2017: 108). اقدامات غیر قانونی و غیر شفاف می‌تواند حق آزادی بیان را به میزان قابل توجهی بی‌اثر کند. دولت‌ها از این طریق می‌توانند از قدرت سوءاستفاده و از پالایش محتوا به عنوان روشی برای کنترل رسانه‌ها استفاده کنند (بابازاده مقدم و اسدی، ۱۳۹۶: ۱۷۰). بنابراین نحوه به کار بستن اقدامات محدودکننده نیز موضوعیت دارد و باید مشروع باشد (Joseph & Castan, 2013: 605).

همچنین در رابطه با این مسئله که آیا پالایش باید حسب درخواست شخص باشد یا دولت‌ها باید راساً بر پالایش اقدام کنند اشعار می‌دارد نظر به تحدید آزادی بیان طی فرایند پالایش می‌توان محتوای قابل پالایش را در دو زمینه عمومی و خصوصی تفکیک کرد؛ چنانچه محتوای قابل پالایش به عرصه عمومی تعلق داشته باشد، همانند افشای اسرار نظامی یک کشور در اینترنت که طبعاً مخل نظم و امنیت عمومی آن کشور خواهد بود، به نظر می‌رسد دولت - مثلاً نهادهای همچون دادستانی - مجاز است راساً بر پالایش اقدام کند و چنانچه محتوای قابل پالایش در بستر خصوصی قرار بگیرد، نظیر هتک حرمت یا توهین، پالایش می‌تواند به درخواست شخص انجام شود.

دولت‌ها با هدف اعمال محدودیت‌های مقتضی آزادی بیان به دو نظام «پیشگیری» و «تعقیبی» متوسل شده‌اند. نظام پیشگیری اقتضائات و قواعد خود را دارد و ایجاد محدودیت باید شفاف، موجه، دقیق، با جزئیات، و مطابق قانون باشد (ECHR, 2011: para 114). اما اعمال این روش در فضای مجازی تقریباً ناممکن است؛ بلکه پالایش محتوا پس از انتشار محتوا در چارچوب نظام‌های تعقیبی آزادی بیان میسر خواهد بود. به‌علاوه، پس از ایراد اتهام به افراد، اثر بیان مجرمانه در فضای مجازی باقی خواهد ماند و در نتیجه پالایش محتوا نسبت به دادرسی کیفری اولویت دارد و حتی ممکن است پس از آن تعقیب شخص خاطی ضرورت خود را از دست بدهد.

۱.۳. صلاحیت و فرایند پالایش

مقام یا مرجعی مستقل باید قضاوت کند که آیا محدودیت‌ها با محتوای قابل پالایش (وفق نظام بین‌المللی حقوق بشر) همخوانی و متعاقباً اعمال آن‌ها ضرورت دارد یا خیر. بنابراین مصادیق پالایش باید به صورت نوبه‌ای به منظور سنجش تناسب و مشروعیت ذیل هدف مطلوب مورد بازبینی قرار بگیرند. صلاحیت پالایش داده‌ها باید به موجب قانون به نهاد ذی‌ربط اعطا شود و در صورت سکوت مقنن فقط نهاد قضایی در چارچوب دادرسی کیفری چنین صلاحیتی خواهد داشت. نهاد اداری فقط می‌تواند در چارچوب اختیارات صریح قانونی با تشخیص محتوای مجرمانه به ارائه‌کننده خدمات اینترنتی^۱ دستور پالایش دهد. اصولاً مسئولیت مقامات اداری در حوزه پالایش تهدیدی جدی برای آزادی بیان است. زیرا در روند تصمیم‌گیری اداری، اغلب، حقوق دفاعی اشخاص مخدوش می‌شود (Brown, 2008: 8). از این رو مسئول محتوا باید امکان تجدیدنظرخواهی نزد مرجع قضایی داشته (CCPR, 2005: para 13) و از حق جبران خسارت نیز برخوردار باشد. همچنین وقتی کاربر مدعی است محتوا به صورت نامعقول یا غیر قانونی مسدود شده می‌توان اجرای دستور را تعلیق کرد. مضافاً دادگاه‌ها باید در اعمال محدودیت شفافیت متن قوانین و احتمال سانسور غیر مستقیم^۲ را بسنجند و در صورت بروز تضاد به قاعده‌ای استناد کنند که آزادی بیان و اطلاعات را به عنوان «اصل» شایسته‌تر تضمین می‌کند. در حقیقت فقط یک مرجع قضایی با کیفیاتی که برای دادرسی عادلانه و حفظ حقوق شهروندان اقتضا می‌کند می‌تواند [احرار] مقتضیات ظریف و دقیق آزادی بیان را تضمین و متعاقباً محدودیت نهایی معتبر را بر آن تحمیل کند.

۲.۳. اصل تفکیک‌پذیری

اصل تفکیک‌پذیری اطلاعات یکی از اصول آزادی اطلاعات است. برابر این اصل چنانچه وب‌سایتی مطلبی مجرمانه منتشر کرد باید فقط همان مطلب پالایش شود، نه همه وب‌سایت. از این حیث ضروری است پالایش به صورت هوشمند باشد. کمیته حقوق بشر نیز به اصل تفکیک‌پذیری اشاره دارد. بر این اساس، دسترسی به هیچ سایتی به طور کامل مسدود نمی‌شود؛ مگر آنکه هدف و محتوای سایت کاملاً مغایر قانون باشد؛ مثل سایت‌های محتوی مطالب مستهجن و غیر اخلاقی. به عبارت بهتر، سیستم فیلترینگ هوشمند به جای حذف کامل دسترسی کاربر به یک سایت فقط آن بخش از محتوای سایت را که به عنوان محتوای مجرمانه شناسایی شده است مسدود خواهد کرد تا محدودیت‌های قانونی نیز

1. internet service provider (ISP)

۲. مقصود از «سانسور غیر مستقیم» حالتی است که قانون اعمال محدودیت و ایجاد مانع بر سر راه نشر اطلاعات را به مقامات اجرایی واگذار می‌کند که به‌رغم ظاهر قانونی، عملاً، به سانسور خودسرانه توسط مقام دخیل منجر می‌شود.

گسترش نیابد. پالایش باید اولاً مبتنی بر محدودیت‌های مشروع باشد و ثانیاً فقط بر همان محتوا اعمال شود و عمومیت نیابد؛ در غیر این صورت با بند ۳ ماده ۱۹ میثاق سازگار نخواهد بود).

۳.۳. اصل تناسب

پالایش با استفاده از فیلترشکن نادیده گرفته می‌شود؛ درحالی که استفاده از فیلترشکن سبب تضعیف امنیت کاربر و دسترسی وی به دیگر محتویات غیر مجاز نیز می‌شود. ولی با حذف محتوای مجرمانه احتمال دسترسی بسیار ضعیف می‌شود. بر اساس اصل تناسب، پالایش باید به عنوان آخرین راهکار اعمال محدودیت استفاده شود و تذکر یا دستور به حذف مطلب مجرمانه از سایت مربوط باید پیش از پالایش مقصود نظر باشد. رویکرد و رویه مندرج در ماده ۹ و بند نخست ماده ۲۳ قانون خدمات دیجیتال اروپا نیز در این بستر شایان توجه است (EP, CEU, 2022: 46 & 57).^۱ بر پایه منطق فنی نیز حذف محتوا بر مسدودسازی آن اولویت دارد. چون امکان دور زدن پالایش را به کلی منتفی می‌سازد.

۴. پالایش در حقوق ایران

مطابق مصوبه شماره ۹۶/۱۰۲۵۵۰ شورای عالی فضای مجازی، یکی از مهم‌ترین خدمات پایه کاربردی شبکه ملی اطلاعات، به عنوان زیرساخت ارتباطی فضای مجازی کشور، که به بخش غیر قابل اجتناب از شبکه مبدل شده و دارای جنبه راهبردی است «خدمات مدیریت و عملیات سالم‌سازی به‌ویژه پالایش محتوا» است (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۶: ۳). همچنین بر اساس مصوبه یادشده یکی از نیازمندی‌های سالم‌سازی، امنیت، حفاظت، و مدیریت تعاملات در شبکه ملی اطلاعات و پشتیبانی از آن موارد در دیگر لایه‌های فضای مجازی کشور، «پالایش و سالم‌سازی جامع بر مبنای فرهنگ اسلامی- ایرانی» خواهد بود (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۶: ۴ - ۵).

با توجه به اهمیت بحث پالایش در سطح کلان کشور، پس از بررسی محتوای قابل پالایش و نظام شکلی پالایش در عرصه بین‌المللی، قوانین و مقررات و رویکرد جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و تحلیل و نقد قرار می‌گیرد.

۱. علاوه بر حذف یا پالایش محتوا، ماده ۲۳ همین سند، در صورت ارائه یا نمایش مکرر محتوای آشکارا غیر قانونی، تعلیق سکوی برخط را نیز در نظر گرفته است. آنچه در اینجا حائز اهمیت است تصریح به «هشدار پیشین» بر پایه بند نخست ماده ۲۳ است که با تذکر پیشین ناشی از اصل تناسب همخوانی می‌یابد.

۱.۴. مقررات و رویه

مطابق قانون اساسی، اغلب آزادی‌ها از قبیل آزادی بیان مطلق نیستند بلکه مشروط به نظم و منافع عمومی، امنیت ملی، اخلاق حسنه، رعایت حقوق دیگران، و عدم مغایرت با اسلام‌اند. در اصول ۲۴، ۲۵، و ۱۷۵ قانون اساسی و مواد ۲، ۵، ۱۰، و ۱۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی همین قانون بر اصل آزادی تأکید شده است.^۱ از طرفی در قوانین داخلی ایران موازین متعدد مقرر در قانون تجارت الکترونیکی، قانون مطبوعات، قانون جرایم رایانه‌ای، و ... به تبیین استثنائات آزادی بیان و اطلاعات به مثابه موارد قابل پالایش (محتوای مجرمانه) اختصاص یافته‌اند.^۲

قانون جرایم رایانه‌ای (ق.ج.ر.) مصوب ۱۳۸۸ نیز به طور خاص محتوای مجرمانه در فضای مجازی را مشخص کرده است. فارغ از جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی (موضوع مواد ۱۴ و ۱۵)، هتک حیثیت و نشر اکاذیب (موضوع مواد ۱۶ تا ۱۸)، و بزه‌های پایه‌ای (موضوع ماده ۲۵) (عالی‌پور، ۱۳۹۵: ۳۲۳) که خود به طور مستقل می‌توانند مشمول پالایش قرار بگیرند «کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه» در اجرای حکم ماده ۲۱ و بر مبنای سایر قوانین موضوعه در نه محور مجموعه‌ای از محتواها را مجرمانه اعلام کرده است و به صراحت مقررات فضای فیزیکی را نیز به فضای مجازی تسری داده است. از نظر شکلی، کارگروه یادشده^۳ از اکثریت نمایندگان قوه مجریه و یک عضو قضایی (دادستان کل کشور) تشکیل می‌شود و تصمیمات آن با اکثریت آرا معتبر است. بنابراین کارگروه مرجعی قضایی نیست و خود مرجع رسیدگی به اعتراضات نسبت به تصمیمات خود است (ماده ۲۲ ق.ج.ر.). همچنین، به‌رغم اعتراض قاطبه حقوقدانان و نپذیرفتن رویه قضایی، صلاحیت موازی دادگاه‌ها در صدور دستور پالایش پذیرفته شده است.^۴

۱. البته نباید در این حوزه اصل ۴۰ قانون اساسی مبنی بر ممنوعیت اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی با اعمال حق را نادیده گرفت.

۲. ارزیابی یک‌یک این استثنائات و انطباق آن‌ها با موازین بین‌المللی مستلزم پژوهش مستقل گسترده یا پژوهش‌های متعدد جزئی است که از آن می‌گذریم.

۳. «طراحی، ساماندهی، و نظام‌مندسازی پالایش محتوای فضای مجازی کشور و نظارت دائمی بر روی آن» با مرکز ملی فضای مجازی کشور است و در همین خصوص پیشنهادهایی جهت تصویب به شورای عالی فضای مجازی ارائه می‌دهد (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۱: ۲ - ۳). مرکز ملی فضای مجازی کشور در چارچوب مصوبات شورای عالی فضای مجازی بالاترین سطح حاکمیتی را در میان همه دستگاه‌های کشور در حوزه فضای مجازی داراست (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۱: ۱). همان‌گونه که از توضیحات اخیر برمی‌آید خط‌مشی‌گذاری، تنظیم‌گری، سیاست‌گذاری، و به طور کلی امور کلان در زمینه پالایش با شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی کشور خواهد بود. اما امور خرد مربوط به تشخیص محتوای قابل پالایش و متعاقباً اعمال اقدام مقتضی جهت پالایش آن‌ها با کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه است.

۴. تصمیم به فیلتر پیام‌رسان تلگرام بعضاً با تمسک به وظیفه قوه قضاییه در پیشگیری از جرایم یا ماده ۱۱۴ قانون آیین

ماده ۹ و بند ۵ ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی ماده ۸ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به اصل تفکیک اشاره دارد. نهایتاً قانون گذار به صراحت از «مصادیق و محتوای مجرمانه» سخن می گوید و بر اساس ماده ۲۱ ق.ج.ر. و تبصره ۱ آن از ارائه کنندگان خدمات اینترنتی درخواست می شود محتوای مجرمانه را حذف یا پالایش کنند، نه محتوای مجاور یا همه تارنما را. اصل تفکیک از منظر فقهی نیز قابل دفاع است (اسماعیلی و نصراللهی، ۱۳۹۵: ۷۰ - ۷۱ و ۷۵).

اصل تناسب نیز به صراحت در تبصره ۱ ماده ۲۲ ق.ج.ر. مورد توجه قرار گرفته است که طبق آن، در صورت دسترسی به مالک تارنما، با رفع اثر فوری از محتوای مجرمانه، تارنما پالایش نخواهد شد. توجه به مراتب واکنش از مراتب نهی از منکر (وفق اصل ۸ قانون اساسی) نیز قابل برداشت است.

۲.۴. اشکالات و کاستی ها

گذشته از موارد تطابق محتوای قابل پالایش در کشور ما با محدودیت های آزادی بیان و اطلاعات، نکاتی چند قابل تأمل است.

کارگروه در مواردی از حدود صلاحیت خود خارج شده و محتوای قانونی را قابل پالایش اعلام کرده؛ از جمله مطلق «محتوا علیه مقامات و نهادهای دولتی و عمومی»؛ درحالی که چنین رویکردی با اصل ۸ قانون اساسی و مواد ۱ و ۳ قانون مطبوعات مبنی بر جواز «انتقاد» مغایر است و راه را برای تفاسیری موسع در جهت مخدوش ساختن آزادی در فضای مجازی هموار می سازد (CCPR, 2002: para 6; CCPR, 2008: para 25).

از حیث تشریفات باید گفت «کارگروه» مرجعی اداری است و نظر به اینکه پالایش اقدامی در جهت سلب حق از یک شخص است، بنا بر اصل ۳۶ قانون اساسی، نباید چنین نهادی صلاحیت سلب حقوق اشخاص را داشته باشد. مسئله امکان تجدیدنظر در خود کارگروه را نیز می توان نقصی جدی به حساب آورد.

بر اساس تبصره ۳ ماده ۱ قانون مطبوعات و آیین نامه اجرایی آن، نشریات الکترونیکی برخط مشمول قانون مطبوعات قرار می گیرند. به رغم وجود شباهت های فراوان نشریات الکترونیکی با رسانه های مکتوب، قانون مطبوعات حتی پاسخگوی نیازهای نشریات الکترونیکی هم نیست. بنابراین باید توجه داشت که وضعیت فعلی نشریات الکترونیکی (به ویژه عدم استقبال روزنامه نگاران از فعالیت در این حوزه) گواه ناکارآمدی اعمال قانون مطبوعات بر این رسانه هاست.

در خصوص اصل تفکیک، در حال حاضر «کارگروه» به جای دستور فیلتر محتوای مجرمانه دستور

فیلتر نام دامنه اینترنتی^۱ را صادر می‌کند و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی محتوای مجرمانه و غیر مجرمانه را هم‌زمان از دسترس کاربر خارج می‌کنند (برزگر و مصطفایی، ۱۳۹۳). قانون جرایم رایانه‌ای از فیلتر محتوای مجرمانه سخن می‌گوید نه فیلتر محتوای مجاور آن و عملاً فیلتر کل دامنه. اما رویه عملی برخلاف قانون است و این موضوع، خود، موجب ترویج به‌کارگیری فیلتر شکن و پراکسی و وی.پی.ان^۲ و تضعیف فرهنگ رعایت قانون می‌شود.^۳ فیلتر کردن یوتیوب را نیز می‌توان نمونه‌ای از عدم رعایت اصل تفکیک قلمداد کرد. در واقع فیلترینگ کنونی به دلیل فقدان امکانات کافی کل سایت را فیلتر کرده و در نتیجه مطالبی که با قانون مغایرت ندارند نیز مسدود می‌شوند؛ گرچه ممکن است از طریق رسانه دیگری بازنشر شوند.

در رابطه با اصل تناسب، در رویه کنونی فرایندهای هشدار و تذکر اغلب کنار گذاشته می‌شود؛ ضمن اینکه چنین فرایندی نیز صرفاً در خصوص تارنماهای ثبت‌شده قابل اعمال است. هرچند دستور حذف محتوا نیز، اگرچه فوراً قابل اجرا باشد، باید قابلیت اعتراض نزد مرجع قضایی داشته باشد. لیکن در مجموع تجارب کشورهای دیگر نشان می‌دهد تذکر و هشدار پیش از پالایش مؤثر است.^۴ البته باید خاطر نشان ساخت که حسب بند ۲ ماده ۷ مصوبه شماره ۹۹/۱۰۷۱۰۵ شورای عالی فضای مجازی «درگاه‌های نشر موظف هستند برای مواجهه با پیامدهای نشر اطلاعات، اخبار، و محتوای خبری خلاف واقع ... به محض اطلاع از انتشار اطلاعات، اخبار، و محتوای خلاف واقع نسبت به حذف و درج توضیحات اقدام و از رویه‌ها و سامانه‌های گزارش‌دهی فوری به مراجع قانونی ذی‌ربط استفاده نمایند» (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۹: ۳).

۵. نتیجه‌گیری

اینترنت فضای گسترده و نسبتاً ارزانی برای همه شهروندان فراهم می‌کند تا دیدگاه و بینش خود را نسبت به امور مختلف با دیگران به اشتراک بگذارند و از داده‌های متنوع بهره‌مند شوند. بنابراین فضای یادشده را باید تا جای ممکن با قواعد ناظر بر آزادی بیان و اطلاعات سامان بخشید. از آنجا که آزادی‌های یادشده مطلق نیستند و در نظام بین‌المللی حقوق بشر به سبب ضرورت‌های ناشی از اخلاق، نظم عمومی، سلامت، و ... در چارچوب قانون ممکن است محدود شوند، پالایش داده‌های اینترنتی یکی از سیاست‌های

1. domain

۲. به استناد صدر بند ۶ مصوبه شماره ۱۰۸۱۲۰ شورای عالی فضای مجازی، جز در موارد دارای مجوز قانونی، استفاده از ابزارهای پالایش‌شکن ممنوع است (شورای عالی فضای مجازی، ۱۴۰۲: ۲).

۳. حتی در سال ۱۳۹۱ یک بار سایت‌های گوگل و جی‌میل، که اساساً فاقد هر گونه محتوای مشخص هستند، موقتاً فیلتر شدند.

۴. ضرورت‌های شکلی و مدل‌های پالایش در سایر کشورها، از منظر تطبیقی، می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل قرار گیرد.

متداول دولت‌ها در مقابله با جرایم در فضای مجازی بوده است. تحلیل هنجارهای حقوق بشر نشان داد سیاست پالایش نیز جز در مواردی که تابع «وضعیت اضطراری» به شرح ماده ۴ میثاق و اصل ۷۹ قانون اساسی است باید در چارچوب قانون فقط به حکم ضرورت و برای تحقق اهداف مشروع مندرج در بند ۳ ماده ۱۹ و ماده ۲۰ میثاق صورت پذیرد و برای این منظور ضروری است نهاد متولی پالایش، اعم از آنکه نهادی اداری یا قضایی باشد، اصول مرتبط با دادرسی عادلانه را رعایت کند و به‌ویژه قابلیت اعتراض به تصمیمات وی پیش‌بینی شود. همچنین، بنا بر اصل تفکیک، پالایش باید فقط محتوای مجرمانه را در بر گیرد و جز در مواردی که تمامیت یا هدف یک پایگاه یا شبکه اجتماعی جنبه مجرمانه دارد نباید کل نام دامنه مسدود شود. به‌علاوه، اصل تناسب اقتضا دارد مسدودسازی آخرین راهکار باشد و در صورت امکان، از طریق اخطار یا دستور قانونی قابل اعتراض، محتوای مجرمانه حذف شود.

نظام حقوقی ایران در خصوص پالایش اینترنت از رویکردی تعقیبی بهره جسته است که به سبب برخی ابهامات و نواقص بعضاً منجر به نقض حقوق کاربران متعدد شده است. این نظام حقوقی اختیار پالایش را به یک مرجع اداری سپرده و بدون طی فرایند دادرسی به صورت یک‌طرفه دستور مسدودسازی از طریق کمیته مربوط به ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی صادر می‌شود و کمیته، خود، مرجع تجدید نظر در تصمیمات خویش است. همچنین، به‌رغم آنکه اصول تناسب و تفکیک‌پذیری اطلاعات دارای مبانی قانونی و شرعی است، اغلب در تصمیمات کمیته و دادگاه‌ها از این اصول عدول می‌شود. به‌علاوه صلاحیت موازی مقامات قضایی که در اجرای قانون دارای صلاحیت عام هستند امنیت و شفافیت حقوقی را مخدوش ساخته است.

بدین ترتیب پیشنهاد می‌شود نظام حقوقی پالایش اینترنت، بر اساس یافته‌های فوق، صلاحیت انحصاری دادگستری را در پالایش به رسمیت بشناسد، به موارد واجد فوریت از طریق نهادهای آیین دادرسی نظیر قرار تأمین کیفری پاسخ داده شود، و اصول تفکیک و تناسب به‌صراحت در قانون مورد تأکید قرار گیرند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. عالی‌پور، حسن (۱۳۹۵). حقوق کیفری فناوری اطلاعات. تهران: خرسندی.
۲. عباسی، بیژن (۱۳۹۵). حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین. تهران: دادگستر.
۳. کدخدایی، عباس‌علی (۱۳۹۶). بخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل. تهران: شهر دانش.

ب) مقالات

۴. اسماعیلی، محسن و نصراللهی، محمدصادق (۱۳۹۵). پالایش فضای مجازی؛ حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی. *دین و ارتباطات*، ۴۹ (۱)، ۵۳ - ۸۰.
۵. بابازاده مقدم، حامد و اسدی، عباس (۱۳۹۶). اصول پالایش (فیلترینگ) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۳ (۹)، ۱۶۳ - ۱۹۴.
۶. بابازاده مقدم، حامد و اسلام‌خواه، عمار (۱۳۹۵). پالایش (فیلترینگ) اینترنت در اروپا. *علوم خبری*، ۵ (۱۷)، ۱۳۷ - ۱۵۶.
۷. بابازاده مقدم، حامد و رضایی، مهدی (۱۳۹۳). اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا. *پژوهش حقوق عمومی*، ۴۲، ۴۳ - ۸۲.
۸. برزگر، عبدالرضا و مصطفایی، لیلا (۱۳۹۳). مقررات حاکم بر اینترنت و فیلترینگ آن در ایران. *کنفرانس ملی وکالت، اخلاق، فقه، و حقوق*. میبد.
۹. کدخدایی، عباس‌علی (۱۳۸۶). *هرم‌های حقوقی و بین‌المللی حمایت از حقوق فرهنگی در قالب ماده ۱۰ قانون ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره (مصوب ۱۳۷۳)*. *چالش‌های حقوقی پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای در نظام‌های ملی و بین‌المللی (به اهتمام گروه مطالعات حقوقی سازمان صداوسیما)*. تهران: سروش (سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران).
۱۰. مقامی، امیر و عطاران، نادیا (۱۳۹۸). موازنه افشای حریم خصوصی خانوادگی چهره‌های مشهور در رسانه‌ها و آزادی بیان در رویه نهادهای قضایی. *مطالعات حقوق عمومی*، ۴۹ (۲)، ۳۱۱ - ۳۳۱.
۱۱. میرحسینی، سید محمد و عجم‌زمانی، مه‌رانا (۱۳۹۴). مدیریت محتوای قابل دسترس اینترنت و فیلترینگ هوشمند. *کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری، و علوم تربیتی*. ساری.
۱۲. نصراللهی، محمدصادق (۱۳۹۶). *مطالعه تطبیقی مقررات‌گذاری پالایش فضای مجازی در آمریکا، اتحادیه اروپا، و چین: پیشنهاد‌های سیاستی برای ایران*. *کنفرانس حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی*. تهران.

ج) اسناد

۱۳. شورای عالی فضای مجازی. «ش/۱۱۳۴/۰۱، اساسنامه مرکز ملی فضای مجازی کشور»، جلسه ۶، ۲۵ مهر ۱۳۹۱.
۱۴. شورای عالی فضای مجازی. «۹۶/۱۰۲۵۵۰، تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات»، مصوبه جلسه ۳۵، ۲۷ مهر ۱۳۹۶.
۱۵. شورای عالی فضای مجازی. «۹۹/۱۰۷۱۰۵، الزامات پیشگیری و مقابله با نشر اطلاعات، اخبار، و محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی»، مصوبه جلسه ۶۸، ۲۱ بهمن ۱۳۹۹.
۱۶. شورای عالی فضای مجازی. «۱۰۶۹۱۶، پیشگیری و مقابله با قمار در فضای مجازی»، مصوبه جلسه ۵۸، ۲۷ دی ۱۴۰۱.
۱۷. شورای عالی فضای مجازی. «۱۰۸۱۲۰، بررسی راهکارهای افزایش میزان سهم ترافیک داخلی و مقابله با پالایش‌شکن‌ها»، مصوبه شماره ۳ جلسه ۹۶، ۲۹ بهمن ۱۴۰۲.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Bychawska-Siniarska, D. (2017). *Protecting the Right to Freedom of Expression under the European Convention on Human Rights*. Strasbourg: Council of Europe.
2. Joseph, S. & Castan, M. (2013). *The International Covenant on Civil and Political Rights Cases, Materials and Commentary*. Oxford: Oxford University Press.

B) Articles

3. Bolin, R. (2006). Locking down the Library: How Copyright, Contract and Cybertrespass Block Internet Archiving. *Hastings Communications and Entertainment Law Journal*, 2 (1), 1-44.
4. Brown, I. (2008). Internet Censorship: Be Careful What You Ask for. In *Freedom and Prejudice: Approaches to Media and Culture*. edited by Kirca S. & Hanson L. Istanbul: Bahcesehir University Press.
5. Cassim, F. (2015). Regulating Hate Speech and Freedom of Expression on the Internet: Promoting Tolerance and Diversity. *South African Journal of Criminal Justice*, 28(3), 303-336.
6. Cerda Silva, A. J. (2013). Internet Freedom is Not Enough: Towards an Internet Based on Human Rights. *International Journal on Human Rights*, 18, 17-32.
7. Chen, E. M. (2003). Global Internet Freedom: Can Censorship and freedom Coexist. *DePaul-LCA Journal of Art and Entertainment Law*, 13(1), 229-268.
8. Frosio, G. (2018). To Filter, or Not to Filter – That Is the Question in EU Copyright Reform. *Cardozo Arts & Entertainment Law Journal*, 36(2), 331-368.
9. Habib, J. (2004). Cyber Crime and Punishment: Filtering out Internet Felons. *Fordham Intellectual Property, Media & Entertainment Law Journal*, 14(4), 1051-1092.
10. Hertig Randall, M. (2016). Freedom of Expression in the Internet. *Swiss Review of International and European Law*, 2, 235-254.
11. Lucchi, N. (2014). Internet Content Governance and Human Rights. *Vanderbilt Journal of Entertainment and Technology Law*, 16(4), 809-856.
12. Mita-Baciu, A. (2014). The Principle of the Internet Neutrality as a Freedom of Expression and the Right of Being Informed. *Jurnalul de Studii Juridice*, 9(1-2), 43-54.
13. Nunziato, D. C. (2003). Freedom of Expression, Democratic Norms, and Internet Governance. *Emory Law Journal*, 52(1), 187-280.
14. Oozeer, A. (2014). Internet and Social Networks: Freedom of Expression in the Digital Age. *Commonwealth Law Bulletin*, 40(2), 341-362.
15. Sears, A. (2015). Protecting Freedom of Expression over the Internet: An International Approach. *Notre Dame Journal of International & Comparative Law*, 5(1), 171-200.
16. Sereno, M. L. P. A. (2013). Internet and Human Rights: Issues and Challenges. *Asian Journal of Legal Studies*, 93-101.
17. VanNorman, B. L. (1998). The Library Internet Filter: On the Computer or in the Child. *Regent University Law Review*, 11(2), 425-438.

C) Cases

18. European Court of Human Rights (ECHR), Application No. 50084/06, RTBF v.

- Belgium. Judgment, 29 March 2011.
19. Human Rights Committee (CCPR), Communication No. 574/1994, Keun-Tae Kim v. Republic of Korea. 64th session, 3 November 1998.
 20. Human Rights Committee (CCPR), Communication No. 633/1995, Gauthier v. Canada. 65th session, 7 April 1999.
 21. Human Rights Committee (CCPR), Communication No. 1014/2001, Baban v. Australia. 78th session, 6 August 2003.
 22. Human Rights Committee (CCPR), Communication No. 926/2000, Shin v. Republic of Korea. 80th session, 16 March 2004.
 23. Human Rights Committee (CCPR), Communication No. 1128/2002, Marques de Morais v. Angola. 83rd session, 29 March 2005.
 24. Human Rights Committee (CCPR), Communication No. 1470/2006, Nurbek Toktakunov v. Kyrgyzstan. 101st session, 28 March 2011.

D) Documents

25. Committee of Ministers of the Council of Europe. "Recommendation CM/Rec (2011)8 of the Committee of Ministers to member states on the protection and promotion of the universality, integrity and openness of the internet". 1121st meeting of the Minister's Deputies, Strasbourg, France, 21 September 2011.
26. European Parliament (EP) & The Council of the European Union (CEU). "REGULATION (EU) 2022/2065, Single Market for Digital Services and Amending Directive 2000/31/EC (Digital Services Act)". 19 October 2022.
27. Human Rights Committee (CCPR). "CCPR/C/21/Rev.1/Add.10, General Comment No. 28: Article 3: The Equality of Rights Between Men and Women". 68th session, 29 March 2000.
28. Human Rights Committee (CCPR). "CCPR/C/GBR/CO/6, Consideration of reports submitted by States parties under article 40 of the Covenant, Concluding Observations of the Human Rights Committee, Great Britain". 93rd session, Geneva, Switzerland, 30 July 2008.
29. Human Rights Committee (CCPR). "CCPR/C/GC/34, General Comment No. 34: Article 19: Freedoms of opinion and expression". 102nd session, Geneva, Switzerland, 11-29 July 2011.
30. Human Rights Committee (CCPR). "CCPR/C/IRN/3, Consideration of reports submitted by States parties under article 40 of the Covenant, Third periodic reports of States parties, Iran". 27 October 2009.
31. Human Rights Committee (CCPR). "CCPR/C/IRN/CO/3, Consideration of reports submitted by States parties under article 40 of the Covenant, Concluding Observations of the Human Rights Committee, Islamic Republic of Iran". 103rd session, 4 November 2011.
32. Human Rights Committee (CCPR). "CCPR/C/IRN/Q/3, List of issues to be taken up in connection with the consideration of the third periodic report of the Islamic Republic of Iran (CCPR/C/IRN/3)". 101st session, New York, USA, 1 April 2011.
33. Human Rights Committee (CCPR). "CCPR/C/IRN/Q/3/Add.1, Replies from the Government of the Islamic Republic of Iran to the list of issues (CCPR/C/IRN/Q/3) to be taken up in connection with the consideration of its third periodic report (CCPR/C/IRN/3)". 102nd session, Geneva, Switzerland, 18 July 2011.

34. Human Rights Committee (CCPR). "INT/CCPR/GEC/4720/E, General Comment No. 11: Article 20". 19th session, 1983.
35. Human Rights Council of the United Nations (UNHRC). "A/HRC/17/27, Report of the Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression, Frank La Rue". 17th session, 16 May 2011.
36. Human Rights Council of the United Nations (UNHRC). "A/HRC/RES/20/8, The Promotion, Protection and Enjoyment of Human Rights on the Internet". 20th session, 5 July 2012.
37. The International Convention concerning the Use of Broadcasting in the Cause of Peace.
38. United Nations General Assembly (UNGA). "A/RES/1721(XVI)[B], International co-operation in the peaceful uses of outer space". 16th Session, 20 December 1961.
39. United Nations Security Council (UNSC). "S/Res/2253, Resolution 2253". 7587th meeting, 17 December 2015.

مقاله آماده انتشار

References in Persian:**A) Books**

1. Alipour, H. (2017). *Information Technology Criminal Law*. Tehran: Khorsandy Pub (In Persian).
2. Abbasi, B. (2016). *Les Droits de l'homme et les Libertes*. Tehran: Dadgostar Pub (In Persian).
3. Kadkhodae, A. (2018). *Direct Broadcasting of Satellite Programs from the Perspective of International Law*. Tehran: Shahre Danesh (In Persian).

B) Articles

4. Esmacili, M. & Nasrollahi, M. S. (2016). The Nature and Problems of Cyberspace Filtering according to Islamic Jurisprudence. *Religion & Communication*, 49(1), 53-80. <https://doi.org/10.30497/rc.2016.1875> (In Persian).
5. Babazadeh Moghaddam, H. & Asadi, A. (2017). Principles for filtering news websites. *New Media Studies*, 3(9), 163-194. <https://doi.org/10.22054/cs.2017.10650.39> (In Persian).
6. Babazadeh Moghadam, H. & Eslamkhah, A. (2016). Internet Filtering in Europe. *News Sciences*, 5(17), 137-156 (In Persian).
7. Babazadeh Moghadam, H. & Rezaei, M. (2015). Principles of Codification for the Laws and Regulations of the Internet with the Emphasis on UNESCO and European Council Documents. *Public Law Research*, 42, 43-82 (In Persian).
8. Barzegar, A. & Mostafae, L. (2014). Moqarrarate Hakem bar Internet va Filtering An dar Iran. *The Paper Submitted in The first national conference on advocacy, ethics, jurisprudence and law*. Meybod (In Persian).
9. Kadkhodae, A. (2008). Legal and International Pyramids of Protection of Cultural Rights in the Framework of Article 10 of the Law on the Prohibition of the Use of Satellite Receiving Equipment (Approved in 1373). In *Legal Challenges of Direct Broadcasting Satellite in National & International Systems*. edited by Legal Studies Group of the Islamic Republic of Iran Broadcasting. Tehran: Soroush Pub (In Persian).
10. Maghami, A. & Attaran, N. (2019). The Balance between Celebrities Privacy in Family Life in the Media and Freedom of Expression in the Jurisprudence of Judicial Courts. *Public Law Studies Quarterly*, 49(2), 311-331. <https://doi.org/10.22059/jpls.q.2018.219954.1390> (In Persian).
11. Mir Hosseini, S. M. & Ajam Zamani, M. (2016). Modiriyate Mohtavaye Qabele Dastre Internet va Filtering Houshmand. *The Paper Submitted in The First International Conference on Management, Economics, Accounting and Education*. Sari (In Persian).
12. Nasrollahi, M. S. (2018). Motale'eye Tatbighiye Moqarraratgozariye Palayeshe Fazaye Majazi dar Amrica, Ettehadiye Oroupa va Chin: Pishnahadhaye Siasati Baraye Iran. *The Paper Submitted in First Conference on Governance and Public Policy*. Tehran (In Persian).